

# The presence of the United States in the Middle East and the Persian Gulf and the increase in political-economic tensions between Iran and Saudi Arabia

1. *Jabar Sharafi*

2. *Hamidreza Saeedinezhad\**

3. *Siamak Bahrami*

1. PhD student in political science, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran
2. Assistant Professor, Department of Political Science, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran
3. Assistant Professor, Department of Political Science, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran

Email: Saeedinezhad48@gmail.com | Received: 28.07.2023 | Acceptance: 10.09.2023

*Journal of  
Socio-political studies of Iran's  
contemporary history*

eISSN: 2821-1294  
<http://journalspsich.com>  
Vol. 2, No 2, Pp: 124-147  
Summer 2023

**Original research article**

## How to Cite This Article:

Sharafi, J., Saeedinezhad, H., & Bahrami, S. (2023). The presence of the United States in the Middle East and the Persian Gulf and the increase in political-economic tensions between Iran and Saudi Arabia, *spsich*, 2(2): 124-147.



© 2023 by the authors. License Iran-Mehr: The Institute for Social Study and Research, Tehran, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license) (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>)

## Abstract

The relations between Iran and Saudi Arabia, both before and after the Islamic Revolution, have fluctuated between competition and cooperation, stemming from various geopolitical, geocultural, geoeconomic, and geostrategic factors at the state, inter-state, and structural levels. These differences have led to their negotiations reaching an impasse or not resulting in long-term outcomes for cooperation. This study aims to analyze the impact of the United States' influence and actions on the political and economic tensions between these two actors in the Middle East and Persian Gulf security complex. The research method is library-based and reviews the subject's history with a practical purpose. The main question posed is: What impact has the United States had on exacerbating the disputes, conflicts, and competitions between Iran and Saudi Arabia in the Middle East security complex? To answer the above question, within the framework of regional security, and using a descriptive-analytical method, this hypothesis is tested: The United States' regional political-economic interests in the Middle East and the Persian Gulf are secured through maintaining the state of

tension and conflict between Iran and Saudi Arabia; therefore, by influencing and affecting Saudi Arabia and creating regional tensions, it prevents the establishment of long-term cooperative relations between them.

**Keywords:** United States, Iran, Saudi Arabia, Middle East, Persian Gulf, Regional security complex.

# حضور ایالات متحده در خاورمیانه و خلیج فارس و افزایش تنش سیاسی - اقتصادی میان ایران و عربستان

جبار شرفی<sup>۱</sup>  
حمیدرضا سعیدی نژاد\*<sup>۲</sup>  
سیامک بهرامی<sup>۲</sup>

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران  
۲. استادیار گروه علوم سیاسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

دریافت: ۱۴۱۴۰۲/۰۵/۰۶ | پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۱۹ | ایمیل نویسنده مسئول: Saeedynzhad48@gmail.com

## چکیده

روابط ایران و عربستان قبل و بعد از انقلاب اسلامی بین رقابت و همکاری در نوسان بوده است که از عوامل مختلف ژئوپلیتیکی، ژئوکالچر، ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک در سه سطح دولتی، میان دولتی و ساختاری نشأت می‌گیرد و این اختلافات باعث شده است که مذاکرات آن‌ها به بن‌بست برسد یا نتایج طولانی مدتی برای همکاری به دنبال نداشته باشد. این پژوهش به دنبال آن است با بررسی دو بازیگر مجموعه امنیتی خاورمیانه و خلیج فارس یعنی ایران و عربستان، تأثیر نفوذ و اقدامات ایالات متحده بر تنش سیاسی و اقتصادی میان این دو بازیگر را مورد واکاوی قرار دهد. روش این پژوهش کتابخانه و مرور پیشینه موضوع و از نظر هدف کاربردی است. سؤال اصلی که مطرح می‌شود این است که: ایالات متحده چه تأثیری بر تشدید اختلافات، منازعه و رقابت‌های ایران و عربستان در مجموعه امنیتی خاورمیانه داشته است؟ برای پاسخ به سؤال فوق در چارچوب مجموعه امنیت منطقه‌ای و با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، این فرضیه به سنجش گذاشته می‌شود که: منافع سیاسی-اقتصادی

## فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات سیاسی-اجتماعی تاریخ معاصر ایران

شاپا (الکترونیکی): ۱۲۹۴-۲۸۲۱  
<http://journalspsich.com>  
دوره ۲ | شماره ۲ | صص ۱۴۷-۱۲۴  
تابستان ۱۴۰۲

نوع مقاله: پژوهشی

به این مقاله به شکل زیر استناد کنید:

درون متن:

(شرفی و همکاران، ۱۴۰۲)

در فهرست منابع:

شرفی، جبار، سعیدی نژاد، حمیدرضا، و بهرامی، سیامک. (۱۴۰۲). حضور ایالات متحده در خاورمیانه و خلیج فارس و افزایش تنش سیاسی-اقتصادی میان ایران و عربستان. مطالعات سیاسی-اجتماعی تاریخ معاصر ایران، (۲): ۱۴۷-۱۲۴.

منطقه‌ای ایالات متحده در خاورمیانه و خلیج فارس از طریق نگاه داشتن روابط ایران و عربستان در حالت تنش و منازعه تأمین می‌شود؛ به همین دلیل از طریق نفوذ و تأثیرگذاری بر عربستان و ایجاد تنش‌های منطقه‌ای مانع ایجاد روابط مبتنی بر همکاری طولانی مدت میان آن‌ها می‌شود.

**کلیدواژه‌ها:** ایالات متحده، ایران، عربستان، خاورمیانه، خلیج فارس، مجموعه امنیت منطقه‌ای.

## مقدمه و بیان مسئله

منطقه خاورمیانه و خلیج فارس در طول تاریخ از اهمیت ویژه‌ای در سیاست بین‌المللی و منطقه‌ای برخوردار بوده است. این اهمیت هرچند در طول زمان متفاوت بوده ولی در اساس از محدوده معینی خارج نشده است. مهم‌ترین اهمیت موقعیت جغرافیایی آن است که این وضعیت چه از نظر تجاری و یا نظامی و در مواردی هر دو، به آن اهمیت ویژه بخشیده و موجب توجه دولت‌ها بدان به‌عنوان مرکز تجاری و یا راه ارتباطی تجاری بین شرق و غرب شده است. در نتیجه خاورمیانه و به‌طور مشخص خلیج فارس به‌عنوان یک راه آبی مرتبط به اقیانوس هند و در نتیجه ارتباط با آب‌های آزاد جهان از نظر نظامی نیز اهمیت ویژه‌ای در طول تاریخ کسب نموده است. اهمیت دیگر خلیج فارس مربوط به ارزش‌های اقتصادی آن است. وجود منابع غنی معدنی و غذایی در آب‌های آن و در کشورهای حاشیه خلیج فارس و به‌خصوص وجود نفت در چند دهه اخیر به این منطقه اهمیت بسیار بخشیده است (الهی، ۱۳۷۸: ۱۷-۱۶). در شرایط نوین جهانی پس از جنگ سرد، قدرت‌های بزرگ در مناطقی که حائز اهمیت استراتژیک باشد، خودسرانه و یک‌جانبه دست به عمل خواهند زد، به‌ویژه آمریکا که هرگاه منافع خود را در خطر ببیند، مهلت نخواهد داد دیگران مداخله کنند و خود به‌گونه‌ای که مناسب تشخیص دهد دست به اقدام خواهد زد (صادقی، ۱۳۹۵: ۲۷۳). ایران و عربستان نیز دو قدرت بزرگ منطقه خاورمیانه با دارا بودن مؤلفه‌های قدرت ملی چه در ابعاد مادی و چه غیرمادی آن هر یک درصدد ایفای هرچه بیشتر نقش یک قدرت هژمونیک در این عرصه بودند (حیدری، ۱۴۰۰: ۲). یک راهبرد عربستان برای مهار قدرت منطقه‌ای ایران، همکاری هژمونیک با آمریکا در ایفای نقش نیابتی است. در واقع عربستان به نیابت از آمریکا با ایران مخالفت می‌کند. نکته مهم در استراتژی نیابتی، به‌کارگیری اسلام‌گرایی سلفی است که آن را می‌توان بخشی از منازعه گسترش‌یابنده در اهداف راهبردی سیاست امنیتی آمریکا در نظر گرفت. عربستان که سابقه بهره‌گیری از بنیادگرایی اسلامی برای مقابله با ناسیونالیسم، کمونیسم و جریان‌های چپ‌گرا در خاورمیانه مانند جنگ با شوروی سابق در افغانستان را دارد، در جنگ نیابتی کنونی نیز از این حربه بهره می‌برد. آمریکا سعی دارد از طریق بحران‌سازی و تصاعد بحران، مانند سال‌های بعد از اشغال عراق از قابلیت ایدئولوژیک و ژئوپلیتیک عربستان در قالب بمب‌گذاری و انجام عملیات انتحاری علیه شیعیان به همراه جدال امنیتی علیه سیاست‌های منطقه‌ای ایران، برای کنترل قدرت منطقه‌ای ایران بهره‌برداری کند (مرادی کلارده، ۱۳۹۶: ۲۱۵). از این‌رو سؤال اصلی که مطرح می‌شود این است که: ایالات متحده چه تأثیری بر تشدید اختلافات، منازعه و رقابت‌های ایران و عربستان در مجموعه امنیتی خاورمیانه داشته است؟ برای پاسخ به سؤال فوق در چارچوب مجموعه امنیت منطقه‌ای و با استفاده از روش توصیفی-

تحلیلی، این فرضیه به سنجش گذاشته می‌شود که: منافع منطقه‌ای ایالات متحده در خاورمیانه و خلیج فارس از طریق نگاه داشتن روابط ایران و عربستان در حالت تنش و منازعه تأمین می‌شود؛ به همین دلیل از طریق نفوذ و تأثیرگذاری بر عربستان و ایجاد تنش‌های منطقه‌ای مانع ایجاد روابط مبتنی بر همکاری طولانی مدت میان آن‌ها می‌شود. ضرورت پژوهش حاضر از آن جهت است که نشان داده شود عمده تنش‌ها و منازعات خاورمیانه و خلیج فارس ناشی از دخالت بازیگران فرامنطقه‌ای است و اگر امنیت منطقه به بازیگران منطقه‌ای واگذار شود احتمالاً این تنش‌ها به حداقل ممکن کاهش یابد.

### پیشینه پژوهش

اختیاری امیری (۱۳۹۴) در مقاله «تأثیر تقابل وهابیت سعودی با گفتمان انقلاب اسلامی ایران بر ژئوپلیتیک جدید خاورمیانه»، تقابل ایران و عربستان را بر اساس چارچوب سازه‌نگاری، هویتی و ایدئولوژیکی می‌داند که این شکل از رقابت و منازعه به کل منطقه خاورمیانه تسری پیدا کرده و تعارض گفتمان شیعی- وهابی عامل اصلی وضعیت منازعه‌آمیز منطقه است. محمد و مورتی (۲۰۱۹) در مقاله «رقابت ایران و عربستان در خاورمیانه: پیامدهای آن بر امنیت ملی»، به تحلیل پیامدهای رقابت منطقه‌ای ایران و عربستان می‌پردازد. آن‌ها معتقدند تنش میان ایران و عربستان باعث شده است این دو بازیگر وارد یک جنگ نیابتی در کشورهای منطقه مانند یمن، سوریه، عراق و ... شوند که امنیت ملی و صلح منطقه را تهدید و بی‌ثبات کرده و معمای امنیت را پیچیده‌تر نموده‌اند. نگارندگان بر این باورند که این وضعیت رقابت و منازعه میان ایران و عربستان یک وضعیت پایدار است و همکاری میان آنان تنها یک وضعیت موقتی است. ساعی و علیخانی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی چرخه تعارض در روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی با تأکید بر دوره ۱۳۹۲-۱۳۸۴»، فرازوفرود روابط ایران و عربستان در قالب تعارض و همکاری را بررسی می‌کنند. نویسندگان معتقدند سه عامل «هویت، ژئوپلیتیک و ساختار نظام بین‌الملل» باعث می‌شود الگوی تعارض در روابط عربستان و ایران غالب‌تر باشد و همکاری آن‌ها تداوم نداشته باشد. صادقی و احمدیان (۲۰۱۱) در پژوهش «روابط ایران و عربستان: الگوی گذشته، چشم‌انداز آینده»، وضعیت روابط دوجانبه بین ایران و عربستان را از سال ۱۹۷۹ بررسی کند. آن‌ها بر این باورند که هرچند ایران و عربستان در منطقه با یکدیگر رقابت دارند اما با انجام اقدامات اعتمادساز می‌توانند وارد مرحله تنش‌زدایی شوند و همکاری‌های منطقه‌ای گسترده‌ای در راستای ایجاد امنیت منطقه با هم داشته باشند. پارسایی (۱۴۰۰) در پژوهش خود تحت عنوان «واکاوی عوامل واگرایی و تقابل در روابط ایران و عربستان»، نشان می‌دهد که تجلی تقابل و واگرایی میان ایران و عربستان همواره

متأثر از سه عامل ایدئولوژی، ژئواکونومی و ژئوپلیتیک پیوسته در نوسان بوده و در جریان تحولات بیداری اسلامی و با منطقه‌ای شدن بحران‌های دالی غرب آسیا، منازعه و واگرایی میان این دو کشور افزایش یافته است. متقی (۱۳۹۴)، در مقاله «واکاوی زمینه‌های ناسازواری در روابط ایران و عربستان بر پایه نظریه سازه‌انگاری»، به دنبال آن است برپایه نظریه سازه‌انگاری به واکاوی مهم‌ترین دلایل ناسازواری در روابط میان ایران و عربستان بپردازد. وی به این نتیجه می‌رسد که فقدان سه شاخص هنجار، انگاره و هویت مشترک در میان ایران و عربستان، در کنار رقابت و قدرت بر بنیاد ژئوپلیتیک، از عوامل مهم ایجاد تنش در روابط تهران-ریاض به شمار می‌رود. چیت‌سازیان (۲۰۲۰)، در پژوهش «قدرت‌های بزرگ و روابط ایران و عربستان»، ضمن اشاره به تنش‌های میان عربستان و ایران در یمن، سوریه، عراق، برنامه هسته‌ای ایران به راه‌حل‌های مدیریت بحران منازعه آن‌ها می‌پردازد. برخی از محققان هژمونی را به‌عنوان بهترین راه‌حل برای مقابله با چالش‌های منطقه‌ای می‌دانند و دیگران معتقدند که سیستم امنیت جمعی بهترین گزینه است، این پژوهش رویکردی بینابین پیشنهاد می‌کند. راهبردی که در آن قدرت‌های بزرگ، به‌ویژه ایالات‌متحده، تأثیر عمده‌ای در عملکرد آن دارند. واشنگتن در عمل باید از حمایت بی‌قیدوشرط عربستان دست بردارد و سعی کند در رقابت ایران و عربستان متعادل‌کننده باشد. به همین ترتیب، ایران و عربستان سعودی باید بازی حاصل جمع صفر را کنار بگذارند و در مورد موضوعات کمتر حساس مذاکره کنند و آن را به مسائل سیاسی و امنیتی بسط دهند. دیگر (۲۰۱۵) در مقاله خود تحت عنوان «هویت و سیاست خارجی در خاورمیانه»، ابتدا به تجزیه و تحلیل هویت تاریخی، دینی و قومی خاورمیانه می‌پردازد. سپس هویت بازیگران عمده خاورمیانه یعنی ایران، عربستان، مصر و اسرائیل و عوامل همگرایی و واگرایی بین آن‌ها را تبیین می‌کند و نهایتاً رابطه هویت و سیاست خارجی را در خاورمیانه توضیح می‌دهد و به این نتیجه می‌رسد که هویت زمانی قابل‌اجرا است که سیستم اجازه نمی‌دهد تا مردم در زندگی سیاسی شرکت کنند اما رژیم‌های اقتدارگرا در خاورمیانه اجازه نمی‌دهد که جوامع مدنی بتوانند نفوذ کافی در سیاست خارجی داشته باشند. به‌طورکلی باید گفت که عده‌ای معتقدند عامل تشدید منازعات ایران و عربستان ساختار سیستم بین‌الملل و نحوه توزیع قدرت است و عده‌ای دیگر نیز معتقدند عوامل داخلی همچون فقدان مشروعیت، فقدان انسجام درونی، فقدان سرمایه اجتماعی و... باعث تشدید منازعات است؛ اما پژوهش حاضر ضمن مفروض دانستن دو دیدگاه قبل با طرح رویکردی جدید نسبت به عامل تشدید منازعات منطقه خاورمیانه و خلیج فارس، نقش نفوذ آمریکا در مجموعه امنیتی خاورمیانه و خلیج فارس را در تشدید منازعات ایران و عربستان بررسی می‌کند.

## چارچوب نظری

پایان جنگ سرد فرصت تازه‌ای را برای بسط مطالعات امنیتی خارج از چارچوب منازعه دو ابرقدرت فراهم آورد و از لحاظ نظری تأثیری اساسی در کل الگوی امنیت بین‌المللی بر جای گذاشت. از جمله مکاتبی که توانست چشم‌انداز متفاوتی را در حوزه مطالعات امنیتی پس از جنگ سرد ارائه دهد مکتب کپنهاگ بود. این مکتب تلاش کرده است امنیت را از زوایای مختلف مورد مطالعه قرار دهد (سازمند، ۱۳۹۲: ۱۷۱) و روندهای جدید منطقه‌گرایی در محیط جدید بین‌الملل را تبیین نماید. در واقع یکی از مهم‌ترین گام‌ها در مسیر تبیین نظری مطالعات منطقه‌ای (در بُعد امنیتی) از سوی نظریه‌پردازان مکتب کپنهاگ به‌ویژه چهره شاخص آن بری بوزان برداشته شد. دغدغه بوزان برای تبیین جدیدی از مفهوم امنیت به دهه ۱۹۸۰ بازمی‌گردد؛ آن هنگام که برای نخستین بار «نظریه مجموعه امنیتی کلاسیک» را در سال ۱۹۸۳ مطرح نمود. در این نظریه، بوزان دو گام مهم در تحلیل مفهوم امنیت برداشت: نخست، توجه به سطح تحلیل منطقه‌ای بر پایه ماهیت رابطه‌ای امنیت و درک آن به‌عنوان یک پدیده به هم وابسته (و نه صرفاً یک موضوع جدا از هم) و دوم، ترسیم طیف کاملی از لایه‌های تحلیل. به موازات طرح این نظریه، کاربرد آن برای تبیین تحولات امنیتی مناطق مختلف جهان آغاز شد. نخست از سوی بری بوزان برای تحلیل مسائل جنوب آسیا و خاورمیانه مورد استفاده قرار گرفت. اندکی بعد برای تحلیل عمیق‌تر مسائل جنوب آسیا و نیز آسیای جنوب شرقی به کار گرفته شد. با فروپاشی سیستم تک‌قطبی در ۱۹۹۱، بوزان در ویرایش دوم کتاب خود «مردم، دولت‌ها و هراس» نظریه «مجموعه امنیت منطقه‌ای» را مطرح می‌نماید. فرض اساسی این نظریه این بود که برای ارائه فهم مناسب از سرشت و سرنوشت امنیت به ساختار منطقه و ویژگی‌های کشورهای منطقه‌ای خاص قرار دارند و از مطالعات امنیتی مشابهی برخوردارند توجه کرد. به دنبال تحولات دهه ۹۰ بار دیگر شاهد نظریه‌پردازی جدیدی از سوی بوزان، ویور و وایلد در کتاب «امنیت؛ هاروبی جدید برای تحلیل» در سال ۱۹۹۸ هستیم که به تعریف موسع از امنیت اقدام می‌کند و شاخص‌های یک مجموعه امنیت منطقه‌ای را در آن برمی‌شمرند و در سال ۲۰۰۳ بوزان و ویور با انتشار کتاب «مناطق و قدرت‌ها: ساختار امنیت بین‌الملل» مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای مناطق آفریقا، بالکان، اروپا، شرق آسیا، خاورمیانه، آمریکای شمالی و جنوب آسیا را بررسی می‌کنند (داداندیش و کوزه‌گر کالجی، ۱۳۸۹: ۷۹-۷۶).

در متداول‌ترین تعریف، مجموعه امنیتی عبارت است از: گروهی از دولت‌ها که نگرانی‌های اصلی امنیتی آن‌ها تا اندازه‌ای به هم گره‌خورده که امنیت ملی آن‌ها را به‌صورت منطقی نمی‌توان جدا از یکدیگر مورد توجه قرار داد (کرمی و عزیز، ۱۳۹۲: ۱۳۷). مجموعه‌های امنیت منطقه‌ای با الگوهای بادوام دوستی و دشمنی تعریف می‌شوند که به شکل الگوهای زیرجهانی و جغرافیایی منسجم از وابستگی متقابل امنیتی است. ویژگی خاص یک مجموعه امنیت منطقه‌ای محلی اغلب تحت تأثیر



عوامل تاریخی مانند دشمنی‌های دیرینه (یونانی‌ها و ترک‌ها، اعراب و فارس‌ها) یا زمینه‌های فرهنگی مشترک یک منطقه تمدنی (اعراب، اروپایی‌ها، جنوب آسیایی‌ها و...) است (بوزانو و یور<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳: ۴۵). مجاورت در سیستم‌های منطقه‌ای باعث می‌شود که فرآیندهای امنیتی آن‌ها به یکدیگر مرتبط شود به گونه‌ای که قابل تفکیک نیست (ساناجا و اسکنز<sup>۲</sup>، ۲۰۲۱: ۲۰-۲۱). این امر باعث می‌شود امنیت همسایگان مهم‌تر از امنیت سایر مناطق برای دولت‌ها تلقی شود. بر اساس این معیار، مجموعه امنیتی جایی وجود دارد که روابط امنیتی، گروهی از کشورها را از دیگران جدا کرده و به یکدیگر پیوند زده است و بر کنش و واکنش‌های درونی شدید امنیتی و محدود و ضعیف خارجی حاکم باشد. اساساً یک مجموعه سطح پایین (برخلاف مجموعه سطح بالای مربوط به قدرت‌های بزرگ) متشکل از دولت‌های محلی است که قدرتشان چندان گسترده نیست و حتی در صورت گسترده بودن از دامنه کشورهای هم‌جوار فراتر نمی‌رود. محدودیت قدرت، عامل مهمی در موجودیت روش‌های خودبسنده امنیتی محلی بین دول همسایه و در نهایت استقلال نسبی یک مجموعه است (دهشیری و همکاران، ۲۰۲۰: ۲۳۵). این تئوری مشخص می‌کند که در چهار سطح تحلیل به دنبال چه چیزی باشیم و چگونه این‌ها را به هم مرتبط کنیم. چهار سطح عبارت‌اند از:

۱. سیستم داخلی کشورهای منطقه، به‌ویژه آسیب‌پذیری‌های داخلی آن‌ها (آیا دولت به دلیل ثبات نظم داخلی و روابط بین دولت و ملت قوی است یا ضعیف؟ آسیب‌پذیری خاص یک دولت، نوع ترس‌های امنیتی که دارد و گاهی اوقات دولت یا گروهی از دولت‌ها را به یک تهدید ساختاری تبدیل می‌کند، حتی اگر آن‌ها یا آن‌ها هیچ نیت خصمانه‌ای نداشته باشند).

۲. روابط دولت با سایر دولت‌های منطقه که الگوی منطقه را مشخص می‌کند.

۳. تعامل منطقه با مناطق همسایه و در نهایت

۴. نقش قدرت‌های جهانی در منطقه (تعامل بین ساختارهای امنیتی جهانی و منطقه‌ای).

آنچه الگوی توزیع قدرت در بین قدرت‌های جهانی را به پویایی منطقه‌ای مجموعه‌های امنیت منطقه‌ای مرتبط می‌کند مکانیسم نفوذ است. نفوذ زمانی اتفاق می‌افتد که قدرت‌های خارجی با دولت‌های داخل یک مجموعه امنیت منطقه‌ای همسویی امنیتی ایجاد کنند. رقابت منطقه‌ای فرصت‌ها یا خواسته‌هایی را برای قدرت‌های بزرگ فراهم می‌کند تا در منطقه نفوذ کنند. منطق موازنه قدرت در سیستم بین‌المللی به‌طور طبیعی رقابتی منطقه‌ای

<sup>۱</sup> Buzan & Waever

<sup>۲</sup> Sanahuja & Escanez

را تشویق می‌کند تا از بیرون کمک بگیرند و با این مکانیسم، الگوهای منطقه‌ای با الگوهای جهانی مرتبط می‌شوند. چنین پیوندی بین الگوهای امنیتی محلی و جهانی یک ویژگی طبیعی زندگی در یک سیستم آناارشی است. الگوی دوستی و دشمنی معمولاً با شروع تجزیه و تحلیل از سطح منطقه‌ای و گسترش آن به سمت مشارکت بازیگران جهانی از یک سو و عوامل داخلی از سوی دیگر به بهترین شکل قابل درک است. الگوی خاص اینکه چه کسی از چه کسی می‌ترسد یا از چه کسی خوشش می‌آید، عموماً از سطح سیستم وارد نمی‌شود، بلکه در داخل منطقه توسط ترکیبی از تاریخ، سیاست و شرایط مادی ایجاد می‌شود. برای قدرت‌های جهانی، سطح منطقه‌ای در شکل‌دهی گزینه‌ها و پیامدهای اعمال نفوذ و رقابت‌های آن‌ها در بقیه سیستم بسیار مهم است. سطح منطقه‌ای بیش از همه برای دولت‌های درون آن و همچنین برای قدرت‌های جهانی اهمیت دارد (بوزان و ویور<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳). طبق طبقه‌بندی بوزان چین، روسیه و ایالات متحده سه ابرقدرت جهانی هستند که تلاش دارند بر منطقه خاورمیانه و خلیج فارس تأثیر بگذارند و نفوذ خود را در منطقه حفظ کنند؛ از این رو از طریق تأمین منافع استراتژیک رژیم‌های منطقه از جمله عربستان، با آن‌ها تعامل می‌کنند. این دخالت‌ها مانع تشکیل یک همگرایی در منطقه شده است و شرایط امنیتی منطقه به گونه‌ای است که امنیت بازیگران منطقه‌ای به قدرت‌های خارجی وابسته شده است (پوتری - پراتاما<sup>۲</sup>، ۲۰۱۳). ایران و عربستان نیز به عنوان دو بازیگر مهم و تأثیرگذار مجموعه امنیتی خاورمیانه متأثر از سیاست قدرت‌های بزرگ از جمله آمریکا بودند. پس از انقلاب ۱۹۷۹ و تغییر معادلات منطقه و خروج ایران از بلوک غرب، ایالات متحده برای حفظ نفوذ خود در خاورمیانه و خلیج فارس و مقابله با سیاست‌های منطقه‌ای ایران، عربستان را به عنوان وزنه مقابل ایران مورد حمایت قرار داد و به تنش‌آفرینی میان آن‌ها اقدام نموده است.

### روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر روش‌شناسی، با روش کتابخانه‌ای و تحلیلی مبتنی بر مطالعات پیشین و از نظر هدف کاربردی است. تلاش شده است با بررسی متون مرتبط موضوع حاضر و تحلیل آنان بر

<sup>۱</sup> Buzan & Waeber

<sup>۲</sup> Putri Pratama

حسب سوالات پژوهش پاسخ‌هایی ارائه شود. بنابراین برای جمع‌آوری یافته‌ها از روش کتابخانه‌ای و تحلیل آنان استفاده شده است.

### تاریخچه روابط ایران و عربستان

در ۲۴ اوت ۱۹۲۹، ایران و عربستان سعودی پیمان دوستی را امضا کردند که متضمن به رسمیت شناختن متقابل و برقراری روابط کامل دیپلماتیک بود. در آن مناسبت، خاندان پهلوی و آل سعود توافق کردند که «صلح خدشه‌ناپذیر و دوستی صمیمانه و پایدار حاکم خواهد شد» (هادزیکادونیک<sup>۱</sup>، ۲۰۱۹: ۱). پس از خروج بریتانیا در دسامبر ۱۹۷۱ از منطقه، روابط دو کشور به بالاترین حد خود رسید و دکترین نیکسون آمریکا برای ترویج سیاست‌های غرب‌گرا و حفظ منافع آغاز شد. با انقلاب ۱۹۷۹ ایران، عربستان ضمن به رسمیت شناختن نظام جمهوری اسلامی، از آن نیز استقبال کرد؛ اما با سخنان امام خمینی (ره) علیه نظام سلطنتی، شرایط مبتنی بر بی‌اعتمادی بین این دو بازیگر منطقه‌ای شکل گرفت و عربستان نگران تسری افکار انقلابی و صدور انقلاب به کشورش به‌ویژه در بین شیعیان بود (لابنا عبیدعلی<sup>۲</sup>، ۲۰۱۸: ۴۹-۵۰). ایران و عربستان سعودی همواره برای تسلط بر خاورمیانه، به‌ویژه منطقه خلیج فارس، مبارزه کرده‌اند که پس از جنگ بین ایران و عراق در دهه ۱۹۸۰ تشدید شده است. اگرچه این ملت‌ها (عربستان سعودی و ایران) عمدتاً ملت‌های اسلامی هستند، اما در ایدئولوژی‌هایشان با هم تفاوت دارند. ایران یک کشور شیعه است که خود را به‌عنوان مدافع شیعیان در منطقه معرفی می‌کند در حالی که عربستان سعودی یک کشور عربی محافظه‌کار سنی است. رقابت شیعه و سنی در خلیج فارس به دلایل خاصی در حال افزایش است و با مداخله نظامی عربستان سعودی در یمن در سال ۲۰۱۷ به اوج خود رسیده است (محمد و مورثی<sup>۳</sup>، ۲۰۱۹: ۱-۲). بر اساس افکار عمومی در سطح جهان، ایران و عربستان سعودی طرف‌های مخالف درگیری‌ها در سوریه، عراق و یمن بوده‌اند که اغلب از طریق نیروهای نیابتی به یکدیگر حمله می‌کنند. ایران همچنین اغلب به مداخله در امور داخلی عربستان سعودی، بحرین و سایر کشورهای حوزه خلیج فارس از طریق اقلیت‌های شیعه متهم شده است. از سوی دیگر، ایران عربستان سعودی را به ترویج سیاست‌ها و اقدامات ضد شیعی متهم کرده است (پاولاک<sup>۴</sup>، ۲۰۱۶: ۳-۴). تفاوت‌های ایدئولوژیک و فکری- مذهبی از عوامل افزایش تقابل ایران و عربستان بودند. علاوه بر این اختلافات

<sup>1</sup> Hadzikadunic

<sup>2</sup> Lubna Abid Ali

<sup>3</sup> Mohammed & Moorthy

<sup>4</sup> Pawlak

نفتی استراتژیک و نظامی نیز باعث شده است تا روابط تهران و ریاض هیچ‌گاه آن‌گونه که انتظار می‌رفت حالت مسالمت‌آمیز به خود نیندند. ایران و عربستان دو قدرت بزرگ و تأثیرگذار خاورمیانه با ادعای برتری هژمونی و از طرفی دیگر طلایه‌دار ام‌القرای اسلامی همیشه یک رقابت ناتمام سیاسی مذهبی را دنبال کردند. گرچه همواره سعی شده از راه‌های مختلف نظیر پیمان‌های منطقه‌ای و کنفرانس‌های صلح اوپک و گردهمایی کشورهای اسلامی از شدت این رقابت‌ها کاسته شود، اما این تلاش‌ها ناموفق بوده و یا اگر موفقیتی داشته است زودگذر بوده و به‌زودی مسئله جدیدی در روابط این دو کشور ایجاد می‌شد و به منازعه و اختلاف آن‌ها منجر می‌شد. نکته کلیدی اینجاست که دو کشور منافع متضاد برای یکدیگر و در مقابل با یکدیگر ترسیم کرده‌اند این موضوع نه در حال حاضر بلکه از زمان‌های دور وجود داشته است. حمایت عربستان از صدام حسین در جنگ ۸ ساله علیه ایران حمایت ایران از شیعیان یمن در مقابل عربستان حمایت ایران از بشار اسد و مخالفت عربستان با وی و تحرکاتی از این قبیل همواره در روابط بین دو کشور وجود داشته است. در سطح منطقه‌ای عربستان نسبت به افزایش نقش ایران در افغانستان، لبنان، فلسطین و به‌ویژه عراق و غیره نگران است. تحولات چند سال گذشته در منطقه که موجب افزایش نفوذ جمهوری اسلامی و شیعیان شد، اسباب نگرانی پادشاهی سعودی و ایالات‌متحده در مورد کاهش نفوذ خود در منطقه را فراهم آورده است. این نگرانی‌ها به همراه حساسیت و سوءظن‌های همیشگی عربستان به ایران واکنش‌هایی را از سوی ریاض به‌منظور تغییر در معادلات منطقه برانگیخته است و به قدرت‌های فرامنطقه‌ای به‌ویژه آمریکا برای مقابله با ایران متوسل شده است (موسوی دهموردی و حمایتیان، ۱۳۹۵: ۱۹۰-۱۸۹). به‌طور کلی مهم‌ترین عوامل در تنش میان رابطه ایران و عربستان عبارت‌اند از:

۱. فرهنگ سیاسی حاکم بر عربستان با فرهنگ سیاسی ایران دارای ناهمگونی و تضاد شدیدی است.
۲. فرهنگ اجتماعی ایران دارای پیشینه تاریخی قوی و اثبات‌شده‌ای است که با فرهنگ اجتماعی عربستان که در آن هنوز عنصر دولت-ملت نضح نیافته است، تعارض شدیدی دارد.
۳. ایدئولوژی حاکمیت در ایران به دلیل تأکید بر اسلام شیعی با آرمان سیاسی عربستان که بر وهابیت تأکید می‌کند تجانس ندارد و حتی این دو ایدئولوژی در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند.
۴. برخورد ناشایست عربستان با حجاج ایرانی سبب شده است تا ذهنیت جمعی ایرانیان نسبت به این کشور خدشه‌دار شود.
۵. دفاع عربستان از پان‌عربیسم و زنده کردن تنش‌های قبیله‌ای عرب و عجم نوعی کوشش برای ایجاد و ساخت «هویت متضاد» است تا ایران را به‌مثابه یک رقیب و یک غیرخودی تضعیف کند.

۶. هنجارهای حاکم بر سیاست خارجی عربستان تعارض شدیدی با هنجارهای ایران دارد. این تعارض تا بدان حد است که عربستان حتی از اختلاف ایران با سایر کشورها (همانند امارات بر سر جزایر سه گانه و نیز غرب بر سر پرونده هسته‌ای) نیز در جهت تشدید این تعارض سود می‌جوید.
۷. فقدان هویت، هنجار و انگاره مشترک سبب شده است تا فرهنگ مشترک نیز میان این دو بازیگر سیاسی پدید نیاید و هرچند در برهه‌ای از زمان روابط تهران ریاض به ثبات نسبی برسد اما فقدان فرهنگ مشترک نتوانسته است یک رابطه دیرپای را شکل دهد.
۸. عوامل ژئوپلیتیکی و اقتصادی نیز مانع از همسویی و هم‌راستایی این دو کشور برای برقراری ارتباط دوستانه می‌شود. از میان این عوامل می‌توان به رقابت در چهارچوب قدرت، پیوستگی ژئوپلیتیکی، حوزه‌های نفوذ مشترک (همانند عراق سوریه لبنان و غیره)، رابطه با آمریکا و اسرائیل، بازار نفت، اقتصاد غیر مکمل، پرونده هسته‌ای ایران، رقابت‌های ژئوپلیتیکی و غیره اشاره کرد (متقی، ۱۳۹۴: ۱۵۸-۱۵۷).

### رویکرد آمریکا به ایران و عربستان

رفتار آمریکا علیه ایران را در راستای سیاست خارجی این کشور در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس می‌توان معنی کرد. با یک تحلیل می‌توان این رفتارها را در سه دسته قرار داد: دسته اول، رفتار سیستمی به‌عنوان رهبر سیستم لیبرال دموکراسی غربی که در برابر ایران انقلابی می‌توان این سیستم را در چالش دید. دوم، معضل استراتژیست‌های آمریکا است که بعد از انقلاب به علت تهدیداتی که از جانب ایران تحت عناوین مختلف تروریسم، گسترش سلاح‌های کشتار جمعی، نقض حقوق بشر و در کل نظام‌های سرکش در برابر آمریکا می‌باشد که در برخورد با این موارد آمریکا در دوران رؤسای جمهور مختلف استراتژی‌های مختلف را امتحان کرده که موجب سیاست‌های مختلف در عرصه خارجی شده است. دسته سوم، سیستم بوروکراتیک آمریکا در برابر ایران می‌باشد. لذا آمریکا در کل سه نوع برخورد یا نگاه با ایران دارد: اول، آمریکا ایران را برای خود معضل می‌داند؛ دوم، این نوع نگاه از دید بازیگران جناح‌های مختلف آمریکا یکسان نبوده و این جناح‌ها با نگاه‌های مختلف به ایران و معضلات آن نگاه می‌کنند و سوم اینکه نتیجه این معضلات، برای آمریکا تحت تأثیر سه عنصر سیستم و بوروکراتیک و استراتژی‌های مختلف، منازعات مختلفی برای آمریکا درست کرده است و لذا این عوامل در بین دولتمردان آمریکایی موجب چند نوع نگاه به ایران شده است:

۱. نگاه مقابله‌گرایانه که ایران را در کنار عراق و کره شمالی به‌عنوان محور شرارت معرفی می‌کند و به حذف دشمنان آمریکا اعتقاد دارند از این‌رو به دنبال تغییر نظام در ایران هستند.
۲. مهارگرایان: این گروه به ایجاد بازدارندگی و ایجاد اجماع جهانی در مقابل ایران معتقدند. آن‌ها تغییر رفتار ایران را دنبال می‌کنند.
۳. تعامل‌گرایان: این گروه به دنبال تعامل با ایران در همه جنبه‌ها هستند (قزلباش و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۱-۲۰).

عربستان نیز به دلیل ساختار خاص اجتماعی و فرهنگی خود، از دیگر کشورهای خاورمیانه و حتی کشورهای همسایه آن در حوزه جنوبی خلیج فارس متمایز می‌باشد. ساختارهای خاص قبیله‌ای و عشیره‌ای که به پدید آمدن فرهنگی خاص منتهی شده است، همراه با آموزه‌های عمیقاً سنتی و مذهبی و نیز سیطره افکار و ایده‌های سلفی در قالب «وهابیت»، به جامعه عربستان ترکیب منحصربه‌فردی بخشیده است. حدود یک‌چهارم ذخایر اثبات‌شده نفت جهان (در حدود ۲۶۲ میلیارد بشکه) در اختیار عربستان قرار دارد و از این منظر، شرایط سیاسی و ثبات یا ناامنی در این کشور نفت‌خیز از اهمیت زیادی برای قدرت‌های بزرگ به‌ویژه ایالات‌متحده آمریکا برخوردار می‌باشد (متقی، ۱۳۹۴: ۱۴۲). پس از به رسمیت شناختن عربستان از سوی ایالات‌متحده در سال ۱۹۳۱، با تبادل استوارنامه و انتصاب اولین سفیر ایالات‌متحده (که در ابتدا مقیم قاهره بود) در سال ۱۹۴۰ روابط دیپلماتیک کامل برقرار کردند. نقش منحصربه‌فرد عربستان سعودی در جهان عرب و اسلام، در اختیار داشتن دومین ذخایر بزرگ نفت جهان و موقعیت استراتژیک آن، همگی در روابط طولانی‌مدت دوجانبه بین پادشاهی و ایالات‌متحده نقش دارند. ایالات‌متحده و عربستان سعودی منافع مشترکی در حفظ ثبات، امنیت و رفاه منطقه خلیج فارس دارند و از نزدیک در مورد طیف گسترده‌ای از مسائل منطقه‌ای و جهانی مشورت می‌کنند. نیروهای عربستان با ارتش و نهادهای ایالات‌متحده برای حفظ منافع امنیت ملی هر دو کشور همکاری می‌کنند، همچنین روابط فرهنگی و آموزشی قوی با ده‌ها هزار دانشجوی سعودی که در کالج‌ها و دانشگاه‌های ایالات‌متحده تحصیل می‌کنند و تعداد زیادی از بازدیدکنندگان تبادل آموزشی و فرهنگی هر ساله برخوردار هستند. ایالات‌متحده و عربستان سعودی روابط امنیتی طولانی‌مدتی دارند. عربستان سعودی بزرگ‌ترین مشتری فروش نظامی ایالات‌متحده است که به بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار می‌رسد. آن‌ها روابط اقتصادی قوی دارند. ایالات‌متحده دومین شریک تجاری بزرگ عربستان سعودی و عربستان سعودی یکی از بزرگ‌ترین شرکای تجاری ایالات‌متحده در خاورمیانه است. عربستان سعودی سومین منبع اصلی واردات نفت برای ایالات‌متحده است و حدود نیم میلیون بشکه در روز نفت را به بازار

ایالات متحده عرضه می‌کند. عربستان سعودی برنامه چشم‌انداز ۲۰۳۰ خود را در آوریل ۲۰۱۶ راه‌اندازی کرد و برنامه‌هایی را برای تنوع بخشیدن به اقتصاد از جمله از طریق افزایش تجارت و سرمایه‌گذاری با ایالات متحده و سایر کشورها ارائه کرد (دپارتمان امریکا، ۲۰۲۳: ۱-۲).

### ایالات متحده و افزایش تنش سیاسی - اقتصادی میان ایران و عربستان در خاورمیانه

خاورمیانه شامل همه کشورهای عربی به‌علاوه اسرائیل و ایران است. مجتمع فرعی شامل مصر، اسرائیل با سرزمین‌های اشغالی فلسطین، لبنان، سوریه، عراق و اردن است. در نهایت، مجموعه فرعی خلیج فارس شامل ایران و تمام کشورهای شبه‌جزیره عربستان است: عربستان سعودی، کویت، بحرین، عمان، یمن، قطر و امارات متحده عربی. در این نظریه، مجموعه امنیتی منطقه‌ای خاورمیانه با پویایی بالای درگیری‌های محلی و حضور قوی ایالات متحده مشخص می‌شود. پایان جنگ سرد و تغییر سیستم امنیتی جهانی تغییر قابل توجهی را در این مجموعه امنیتی منطقه‌ای ایجاد کرده است، زیرا دوره تسلط هژمونی ایالات متحده در خاورمیانه شد. این سلطه، توازن قوا در منطقه را به‌طور جدی تغییر داده است و در درجه اول به افزایش قدرت اسرائیل و عربستان، انزوا و مقابله با عراق و ایران منجر شده است. در آغاز قرن بیست و یکم، امنیت مجموعه منطقه‌ای خاورمیانه در مرحله میانی قرار داشت و امنیت آن عمدتاً متأثر از پویایی فزاینده درگیری‌های منطقه‌ای و داخلی و تسلط مستمر ایالات متحده در سطح جهانی بود؛ سیاست مهار دوگانه عراق و ایران در خلیج فارس، مناقشه اسرائیل-فلسطین و عرب-اسرائیل و بعدها رقابت ایران و عربستان به نقطه‌های مرکزی تحلیل مجموعه امنیتی خاورمیانه و خلیج فارس در آثار نویسندگان تبدیل شد (جارزابک<sup>۱</sup>، ۲۰۱۸: ۱۶۰-۱۶۱). در واقع، ایالات متحده همچنان مهم‌ترین قدرت خارجی در خاورمیانه است، اما اکنون با منطقه‌ای مواجه است که در آن بازیگران محلی، از جمله شرکای قدیمی، منافع ملی و اقتصادی خود را به‌گونه‌ای تعریف می‌کنند که اغلب با منافع ایالات متحده متفاوت است. این یک پدیده‌ی جدید نیست؛ بلکه یک الگوی چرخه‌ای نگران‌کننده است که منافع و اهداف سیاست ایالات متحده را در منطقه پیچیده می‌کند. مداخله مستمر به رهبری عربستان و امارات و با حمایت آمریکا در یمن نمونه بارز افزایش تنش منطقه‌ای ایران و عربستان است. اقدامات تحریک‌آمیز حوثی‌ها در باب‌المنذب آمریکا و منافع آن را بیشتر به چالش کشیده که ایالات متحده قصد دارد از طریق اعمال نفوذ بر

<sup>۱</sup> Jarzabek

عربستان مانع پیشروی اهداف حوثی‌ها به نیابت از ایران در منطقه شوند (مولر<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۷: ۳-۴).

نقش‌یابی مجدد عربستان در ساختار امنیت منطقه‌ای، مربوط به سال‌های بعد از اشغال عراق توسط نیروهای نظامی آمریکا می‌باشد. دیوید پترائوس بر ضرورت بهره‌گیری از قابلیت ایدئولوژیک و ژئوپلیتیکی عربستان برای کنترل قدرت منطقه‌ای ایران تأکید داشت. از سال ۲۰۰۶ به بعد، آمریکایی‌ها موافقت نمودند که عربستان نقش متوازن‌کننده بحران در خاورمیانه را ایفا نماید. تحقق این امر از طریق بحران سازی و تصاعد بحران امکان‌پذیر بود. هم‌اکنون حوزه نفوذ ژئوپلیتیکی عربستان از منطقه شبه‌قاره شروع گردیده و به حوزه مدیترانه شرقی گسترش می‌یابد. چنین فرآیندی در مقابله با حوزه نفوذ ایران شکل گرفته است (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۳: ۹۴). وجود این اختلافات سیاسی بین گروه‌های رقیب را باید به‌منزله بخشی از واقعیت فرهنگی خاورمیانه دانست. این واقعیت بازنشانه‌هایی از رقابت بین‌المللی بازتولید است. حمایت آمریکا و جهان غرب نصیب بازیگرانی می‌گردد که تضادهای ایدئولوژیک و ژئوپلیتیکی را گسترش دهند. بر اساس چنین نگرشی است که الگوی براندازی بشار اسد توسط حکومت اوباما را می‌توان بر اساس قواعد بنیادین براندازی سیاسی، شرایط اجتماعی دوران موجود و همچنین فرآیندهای منطقه‌ای - بین‌المللی مورد تحلیل قرار داد (پازن، ۱۳۹۴: ۱۶۳-۱۶۲). تعریف سنتی از منافع ایالات متحده در خاورمیانه بر تضمین جریان آزاد منابع طبیعی و حفظ روابط با متحدان کلیدی و محافظت از آن‌ها در برابر تهدیدات خارجی متمرکز شده است. این منافع همچنان پابرجاست، اگرچه محیط منطقه‌ای خاورمیانه نسبت به دوره جنگ سرد که مبتنی بر سیاست دوستونی نیکسون بود و روابط بین قدرت‌های منطقه‌ای تغییر کرده است. ایران و عراق که زمانی با هم اختلاف داشتند و در دهه ۱۹۸۰ درگیر جنگ بودند، اکنون با یکدیگر همسو هستند و ایران و عربستان که قبلاً متحد یکدیگر بودند اکنون در حالت منازعه و رقابت قرار دارند. علیرغم کاهش وابستگی آمریکا به نفت خاورمیانه، ایالات متحده همچنان به دنبال حفاظت از جریان انرژی می‌باشد که برای اقتصاد جهانی حیاتی است و تنها دشمن دولتی توانمندی که ایالات متحده باید در منطقه نگران آن باشد ایران است. واشنگتن و تهران می‌توانند از طریق نیروهای نیابتی با یکدیگر برخورد داشته باشند. تهران می‌تواند پرسنل و تأسیسات نظامی آمریکا در خاورمیانه را تهدید کند. در حال حاضر بیش از ۱۵۰۰۰ پرسنل فعال ارتش در ستاد کل فرماندهی نیروهای ارتش آمریکا در منطقه خاورمیانه، شرق آفریقا و آسیای مرکز وجود دارد که در سراسر تأسیسات نظامی در منطقه، از جمله پست فرماندهی عملیاتی ارتش در کمپ عریفجان در کویت و

<sup>۱</sup> Mueller



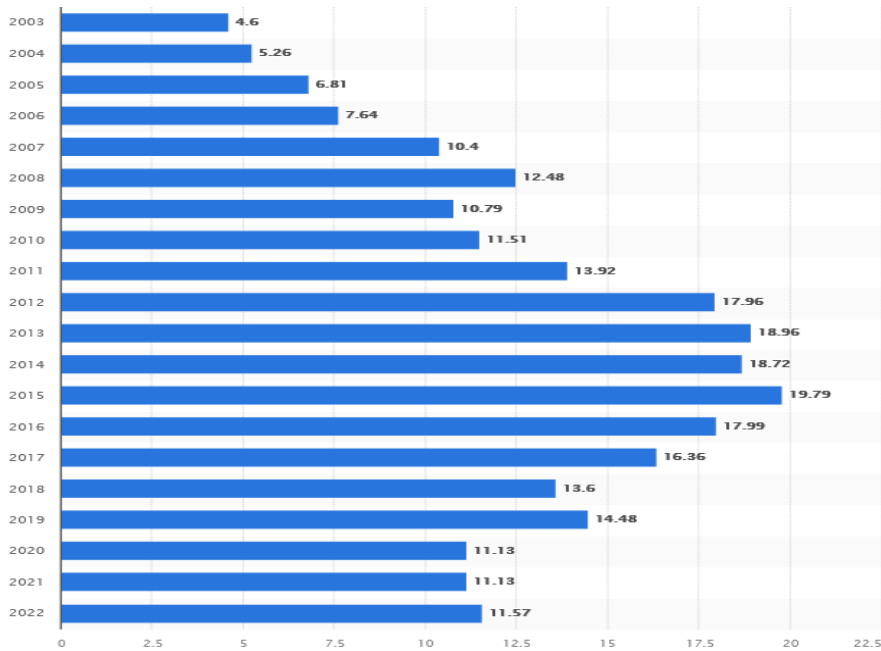
واحدهای پیشروی در عراق پراکنده شده‌اند. بیش از ۱۸۰۰۰ نیروی ذخیره و غیرنظامی ارتش مکمل این واحدها هستند. فعالیت‌های نامتقارن ایران در منطقه، به‌ویژه در عراق، برای پرسنل آمریکایی خطرآفرین است و به‌طور متعارف، تهران با توسعه موشک بالستیک میان برد شهاب-۳ و دستیابی به موشک زمین به هوای برد بلند اس-۳۰۰ به دنبال افزایش توانمندی موشک‌های بالستیک میان برد و دوربرد خود بوده است. بسیاری از تأسیسات نظامی ایالات متحده در منطقه خلیج فارس، از جمله کمپ عریفجان، به‌خوبی در محدوده این سلاح‌ها قرار دارند (مولر و همکاران، ۲۰۱۷: ۲).

در سطح بین منطقه‌ای و جهانی یکی از مهم‌ترین تحولات اخیر در خاورمیانه، افزایش نفوذ سایر قدرت‌های خارجی است. واردات فزاینده نفت و افزایش نگرانی‌ها در مورد امنیت انرژی در چین و سایر کشورهای آسیایی، منافع آن‌ها را به زیر منطقه خلیج فارس رسانده است. در سال‌های آتی این احتمالاً به چالشی جدی برای سلطه کنونی ایالات متحده در آنجا تبدیل خواهد شد. ایالات متحده برای تأکید بر اهمیت منطقه برای منافع ایالات متحده و تضمین سلطه آمریکا در آنجا، نه تنها نفوذ سیاسی خود را در کشورهای خلیج فارس گسترش می‌دهد، بلکه با حفظ حضور نظامی و اقتصادی قابل توجه، قدرت خود را به نمایش می‌گذارد. در سال‌های اخیر در پایگاه‌های مختلف نظامی و سایر مکان‌های موقت و نامعلوم خاورمیانه حدود ۳۰ تا ۵۰ هزار سرباز آمریکایی مستقر شده‌اند (جارزآبیک<sup>۱</sup>، ۲۰۱۸: ۱۶۵).

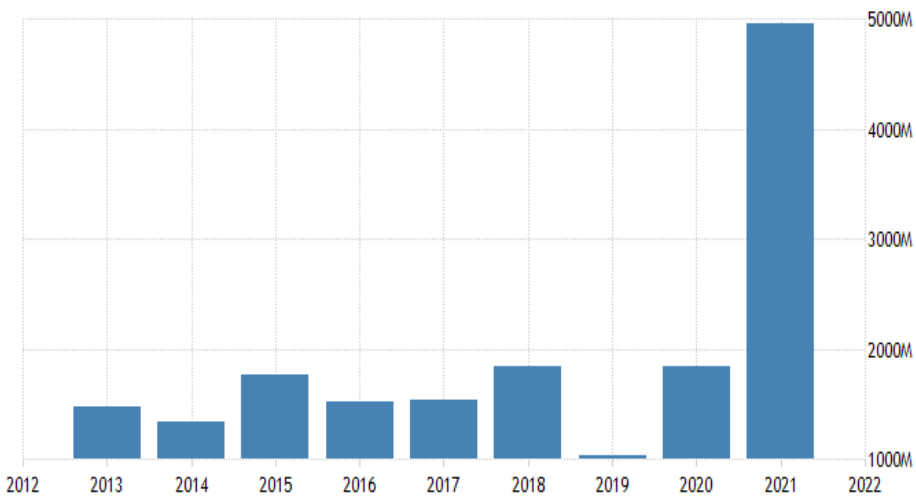
از لحاظ اقتصادی دولت هژمون سعی می‌کند تا امنیت منافع انحصاری بازار جهانی شامل مجموعه‌های نفتی اسلحه‌سازی فناوری اطلاعات و غیره را حفظ نماید. تعارض ایران و آمریکا در منطقه‌ای که از یک‌سو تأمین‌کننده اصلی انرژی جهان است و از سوی دیگر اکثر قراردادهای نظامی و خرید تسلیحاتی در آن جریان دارد امری واضح و آشکار است. در واقع زمانی که یک قدرت منطقه‌ای در مسیر مخالف هژمون حرکت کند با مقابله و مخالفت هژمون مواجه خواهد شد. بدین‌سان ایالات متحده برای تأمین امنیت صادرات انرژی و حفظ آن همیشه در تکاپو بوده و از شکل‌گیری بازیگران قدرتمندی چون ایران در خاورمیانه جلوگیری نموده است و برای این سیاست خود از یک‌سو عربستان را در مقابل سیاست‌های انرژی ایران قرار داده و تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران را تشدید کرده و از سوی دیگر مراودات تجاری خود با عربستان را برای ایجاد وابستگی متقابل به بالاترین حد ممکن افزایش داده است تا در زمان مناسب عربستان تابع سیاست‌های سیاسی اقتصادی ایالات متحده در منطقه باشد (رحمدل و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۲۶-۱۲۴).

---

<sup>۱</sup> Jarzabek



شکل ۱: حجم صادرات کالاهای تجاری ایالات متحده به عربستان سعودی از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۲ (به میلیارد دلار)



شکل ۲: صادرات عربستان سعودی به آمریکا

از زمانی که درآمدهای نفتی خزانه عربستان را پر کرد، مقامات این کشور آمریکا را خانه‌ای امن و سودآور برای دارایی‌های خود می‌دانستند. یکی از راه‌های اصلی سرمایه‌گذاری عربستان سعودی در ایالات متحده، خرید بدهی آمریکایی است. تا دسامبر ۲۰۲۰، عربستان سعودی ۱۳۴,۴ میلیارد دلار اوراق بهادار خزانه‌داری ایالات متحده داشت که آن را به چهاردهمین دارنده بدهی ایالات متحده در جهان و به‌راحتی بزرگ‌ترین در خاورمیانه تبدیل کرد. دارایی‌های عربستان سعودی پس از ۱۸۳ میلیارد دلار در ابتدای سال، در طول سال ۲۰۲۰ تقریباً ۵۰ میلیارد دلار کاهش یافت. باین‌حال، با نگاهی طولانی‌تر، خرید بدهی‌های عربستان سعودی از ایالات متحده در سال‌های اخیر به طرز چشمگیری افزایش یافته است. دارایی‌های عربستان سعودی در طول ۱۰ سال گذشته تقریباً دو برابر شده است و در دسامبر ۲۰۱۰ به ۶۷ میلیارد دلار رسیده است. سرمایه‌گذاری مستقیم عربستان در ایالات متحده در سال ۲۰۱۷ با ۱۴,۹ میلیارد دلار به اوج خود رسید و در سال ۲۰۱۹ به ۱۳,۲ میلیارد دلار رسید (کنر و الاحمد<sup>۱</sup>، ۲۰۲۱: ۲۰-۲۱). این مراودات تجاری عربستان و ایالات متحده باعث شده است عربستان در راستای سیاست‌های آمریکا اولاً با سیاست‌های تحریمی علیه ایران همراه شود و ثانیاً سهم ایران از تولید نفت اوپک را پایین نگه دارد.

جدول ۱: میزان تولید نفت خام اوپک در ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲ (خبرگزاری دانشجو، ۱۴۰۱)

کشورها	میزان تولید در ۲۰۲۱	میزان تولید در ۲۰۲۲
الجزایر	۹۱۳	۱,۰۱۷
آنگولا	۱,۱۱۷	۱,۱۴۲
کنگو	۲۶۵	۲۶۳
اکوادور	۹۷	۸۴
گابن	۱۸۲	۱۹۷
ایران	۲,۳۹۲	۲,۵۵۴
عراق	۴,۰۴۹	۴,۴۴۸
کویت	۲,۴۱۹	۲,۷۰۵
لیبی	۱,۱۴۳	۹۹۱
نیجریه	۱,۳۷۲	۱,۲۰۳
عربستان سعودی	۹,۱۱۴	۱۰,۵۳۱
امارات	۲,۷۲۷	۳,۰۶۵
ونزوئلا	۵۵۳	۶۸۵
جمع تولید	۲۶,۳۴۳	۲۸,۸۸۵

<sup>۱</sup> Kenner & Al-Ahmad

ایالات متحده طیفی از روابط امنیتی را در خاورمیانه حفظ می‌کند شامل توافقنامه‌های همکاری‌های اقتصادی، دفاعی، تجهیزات و سلاح‌های نظامی و غیرنظامی و... که این روابط با اسرائیل، عربستان و مصر بسیار گسترده است؛ اما ایران می‌تواند موانعی را برای آمریکا در منطقه ایجاد کند از جمله، دسترسی به نفت، مبارزه با تروریسم (از دیدگاه ایالات متحده)، گسترش سلاح‌های هسته‌ای و حفاظت از امنیت اسرائیل. این در حالی است که پس از جنگ سرد پای سایر قدرت‌های بزرگ به نوعی در منطقه باز شد و در واقع خاورمیانه مدت‌هاست که منبع قدرت برای قدرت‌های بزرگ است. بازیگری بازیگرانی چون انگلیس، چین، روسیه و... منافع و جایگاه ایالات متحده در منطقه را تضعیف کرده است. اهداف چین در منطقه عمدتاً اقتصادی و مربوط به مسائل انرژی است اما منافع و اهداف روسیه عمدتاً سیاسی و مقابله با آمریکا است که عملکرد آن‌ها در سوریه نشان از این تقابل دارد. این امر نه تنها باعث تقابل قدرت‌ها در سطح بین‌الملل می‌شود بلکه به تشدید بحران‌های خاورمیانه از جمله تروریسم، اقتدارگرایی و درگیری‌های هویتی- قومی و رقابت ایران و عربستان منجر می‌شود (بایمن و بجرگ<sup>۱</sup>، ۲۰۱۶: ۲۴-۲۸).

جنگ‌های نیابتی در خاورمیانه باعث تقویت بازیگران غیردولتی می‌شود؛ نیروهایی که به نیابت از ایالات متحده و روسیه و ایران و عربستان در جهت تضعیف دولت مرکزی اقدام می‌کنند. نظم جدید ژئوپلیتیک منطقه نشان از رقابت مجدد قدرت‌های منطقه‌ای دارد. ایران، عربستان، ترکیه و عراق در یک بازی به دنبال افزایش قدرت و منافع خود هستند. از اواسط سال ۲۰۰۰ تاکنون مبارزه ژئوپلیتیک فرقه‌ای و مذهبی گوناگونی بین نیروهای تحت رهبری عربستان و ایران در عراق، سوریه و لبنان به‌عنوان ویژگی بارز منطقه ظاهر شد و جایگزین مبارزات عرب‌ها و اسرائیل شد (کامل<sup>۲</sup>، ۲۰۱۷: ۱۰۱-۱۰۲).

نقش روابط ایران و عربستان سعودی به‌عنوان دو قدرت محوری منطقه‌ای در این روند از اهمیت بالایی برخوردار بوده است. این روابط دوجانبه طی دهه‌های گذشته فراز و نشیب‌های زیادی را تجربه کرده و به شدت تحت تأثیر سیاست‌های قدرت‌های بزرگ بوده است. با این حال، چند نقطه عطف روابط تهران-ریاض بوده است که وارد مرحله جدیدی از تنش و خصومت شده است:

نخست، رهبران محافظه کار عربستان سعودی در حمایت از برخی کشورهای عربی، شورای همکاری خلیج فارس را تشکیل دادند و روابط خود را با واشنگتن برای مقابله با ایران تقویت کردند. رهبران ایران مدعی شدند که عراق جنگ را با تشویق ایالات متحده و عربستان سعودی آغاز کرده است. در

<sup>۱</sup> Byman & Bjerg

<sup>۲</sup> Kamel

طول جنگ، ریاض به همراه اعضای شورای همکاری خلیج فارس و ایالات متحده از رژیم صدام حسین حمایت کردند. رهبران سعودی مانند شاهزاده نایف معتقد بودند که عراق تنها نیروی بازدارنده در برابر صدور انقلاب ایران است. برژینسکی، مشاور امنیت ملی آمریکا نیز از این دیدگاه حمایت کرد که عراق نقشی محوری در مهار ایران دارد.

دوم، حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳، وزنه متقابل نظامی بر ایران را از بین برد، نفوذ تهران را در عراق از آن زمان افزایش داد و در نهایت به رقابت تهران-ریاض در عراق منجر شد. مارتین ایندیک، مشاور رئیس جمهور توضیح داد: «ما این بحث را نمی‌پذیریم که باید بازی موازنه قدرت قدیمی را ادامه دهیم و یکی را برای متعادل کردن دیگری ایجاد کنیم». در واقع، ایالات متحده سیاست مهار دوگانه ایران و عراق را در پیش گرفته بود و عمدتاً به همین دلیل، اعضای شورای همکاری خلیج فارس به رهبری عربستان سعودی از همکاری بیشتر با ایران خودداری کردند. سوم، زمانی که تحولات جهان عرب در شمال آفریقا و بعداً در خاورمیانه باعث ناآرامی و آشوب سیاسی شد، هر دو کشور نفوذ خود را گسترش دادند.

چهارم، جنگ داخلی سوریه تنش‌ها را در روابط ایران و عربستان تشدید کرده است، زیرا ایران به‌طور کامل از رژیم بشار اسد در طول جنگ حمایت می‌کند و در مقابل عربستان سعودی از گروه‌های مخالف از جمله شبه‌نظامیان سنی تندرو جهادی حمایت می‌کند.

پنجم، اندکی پس از آنکه محمد بن سلمان وزیر دفاع عربستان را بر عهده گرفت، سیاست خارجی پادشاهی از حالت تدافعی به تهاجمی تبدیل شد و رویارویی ایران و عربستان سعودی در منطقه تشدید شد. او جنگی را توسط ائتلاف نظامی علیه نیروهای حوثی وابسته به ایران به راه انداخت و سعی کرد خود را به‌عنوان یک رهبر اصلاح‌طلب در عرصه بین‌المللی معرفی کند، هرچند ترور جمال خاشقجی تلاش‌های او را در سال ۲۰۱۶ تحت‌الشعاع قرار داد.

ششم، در مرداد ۱۳۶۶، درگیری شدید نیروهای امنیتی سعودی با تظاهرات حجاج منجر به کشته شدن بیش از ۴۰۰ زائر از جمله ۲۷۵ ایرانی شد. در پی این حادثه، رهبران ایران به‌شدت از عربستان سعودی انتقاد کردند. در فروردین ۱۳۶۷، عربستان سعودی به دلیل عدم توافق با تهران بر سر سهمیه حجاج ایرانی و درخواست تهران برای مداخله بین‌المللی برای مدیریت حج، روابط خود را با ایران قطع کرد. این رویکرد پادشاهی نسبت به ایران هم‌زمان با حملات آمریکا به سکوی نفتی ایران بود و درست پیش از آن، کنگره آمریکا با فروش ۴۵۰ میلیون دلاری تسلیحات به عربستان موافقت کرد. همه این تحولات نشان می‌داد موضع عربستان سعودی در قبال ایران چقدر است تحت تأثیر سیاست‌های آمریکا قرار گرفته است.

هفتم، دونالد ترامپ در ایالات متحده به قدرت رسید و اوضاع پیچیده تر شده است. روابط عربستان سعودی و ایالات متحده در دوران ریاست جمهوری دونالد ترامپ تقویت شد. رئیس جمهور جدید آمریکا، با تشویق اسرائیل و عربستان سعودی، آمریکا را از توافق هسته‌ای خارج کرد، کمپین فشار حداکثری را علیه ایران آغاز کرد و شدیدترین تحریم‌ها را علیه تهران اعمال کرد. ریاض و تل‌آویو از سیاست خارجی جدید کاخ سفید در قبال ایران حمایت کردند درحالی‌که توازن قوا را پیچیده‌تر کرد و درگیری‌ها را در منطقه تشدید کرد. در خلیج فارس کشتی‌های حامل سوخت مورد حمله قرار گرفتند و پهپاد آمریکایی که وارد مرزهای سرزمینی ایران شده بود مورد اصابت قرار گرفت و سرنگون شد. به همین ترتیب، حمله پهپادهای حوثی یمن به آرامکو تولید نفت عربستان را در عرض چند ساعت به نصف رساند (جیتسازان، ۲۰۲۰: ۲۲۲-۲۳۴).

اقدام دیگر ترامپ حمایت همه‌جانبه از عربستان در حمله به یمن است. در واقع عربستان ائتلافی به رهبری خود و پشتیبانی ایالات متحده و بریتانیا ایجاد کرده است که به یمن حمله کرده و یکی از مهم‌ترین بحران‌های انسانی جهان را به وجود آورده است که تعداد زیادی غیرنظامی را کشته‌اند. فروش روزافزون تسلیحات به عربستان توسط ایالات متحده و تشدید حملات به یمن مقبولیت و مشروعیت ایالات متحده را بیش از پیش در منطقه با افول مواجه می‌کند (گاردین، ۲۰۱۸). تحولات بحرین نیز در همین راستا قابل تحلیل است. جمعیت شیعه بحرین توسط ایران حمایت می‌شد، درحالی‌که دولت مرکزی آن از حمایت نظامی عربستان سعودی و آمریکا برخوردار بود (نادیم میرزا و همکاران، ۲۰۲۱: ۱).

از طرف دیگر، روند اغراق در مورد خطرات ایران در ایالات متحده قابل مشاهده است، جایی که ایران دائماً به‌عنوان تهدیدی برای منافع ایالات متحده دیده می‌شود. ویلیام بیمن، منفی‌گرایی در مورد ایران را به اتهاماتی که ایالات متحده در مورد ایران وارد می‌کند نسبت می‌دهد. این اتهامات، همان‌طور که بیمن استدلال می‌کند، بی‌اساس هستند و در چند دسته از فرضیه‌ها قرار می‌گیرند که می‌توان آن‌ها را به‌عنوان اتهامات پیش رو در مورد آنچه ایران در آینده ممکن است انجام دهد مانند ساخت سلاح هسته‌ای، اتهامات مربوط به دخالت ایران در حملات علیه ایالات متحده و در نهایت اتهامات در مورد همکاری ایران با دشمنان آمریکا مانند القاعده خلاصه کرد. همان‌طور که پل پیلار می‌گوید ایران از دو جهت به یک نگرانی و سواسی برای ایالات متحده تبدیل شده است. اول اینکه بخش بزرگی از گفتمان سیاست خارجی آمریکا به ایران اختصاص دارد و ثانیاً این نگرانی و سواسی گونه با زمینه واقعی هرگونه تهدیدی که ایران می‌تواند برای منافع و اهداف ایالات متحده ایجاد کند، جدا شده است. پیلار توجه ما را به این واقعیت جلب می‌کند که تهدیدی که ایران برای ایالات متحده ایجاد می‌کند با واقعیت مطابقت ندارد و در واقع تهدید ایران اغراق‌آمیز است تا همکاری کشورهای

منطقه به‌ویژه عربستان را برای پیاده‌سازی سیاست‌ها و منافع منطقه‌ای خود به دست آورد(سلطان نژاد، ۲۰۲۱: ۳۸۲).

به‌طور کلی می‌توان گفت مجموعه امنیتی خاورمیانه به دلیل اهمیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیکی که دارد همواره مورد توجه قدرت‌های بزرگ بوده است و تا دهه‌های آینده نیز ادامه خواهد داشت. ایران و عربستان به‌عنوان دو بازیگر مهم و تأثیرگذار منطقه به دلایل سیاسی، مذهبی و اقتصادی همواره در رقابت و تنش بوده‌اند و رویکرد مبتنی بر همکاری میان آن‌ها به شکل موقت وجود داشته است؛ علی‌رغم اختلافاتی که به آن‌ها اشاره شد شاید بتوان اصلی‌ترین علت این تداوم تشدید رقابت و تنش را در سیاست‌های منطقه‌ای ایالات‌متحده دانست. در واقع همان‌طور که اشاره شد منافع ایالات‌متحده در مجموعه امنیتی خاورمیانه از طریق تقابل عربستان و ایران تأمین می‌شود تا عربستان مطابق سیاست‌های انرژی آمریکا به بازار جهانی انرژی نفت صادر کند، از آن‌ها اسلحه و تجهیزات نظامی خریداری کنند، بر منطقه تسلط و نفوذ داشته باشند، امنیت اسرائیل را تضمین کنند، بازار منطقه را به دست گیرند و اهدافی از این دست. از این‌رو اگر کشورهای منطقه به دور از دخالت ایالات‌متحده یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای مبتنی بر کشورهای منطقه ایجاد کنند اولاً، کشورهای منطقه یک رویکرد اقتصادی مشترک در بازار انرژی اتخاذ می‌کنند که منافع همگان را تأمین کند، ثانیاً، ایالات‌متحده دیگر فرصتی برای تنش‌آفرینی در میان بازیگران منطقه نخواهد داشت، ثالثاً ایران و عربستان از طریق گفتگو و مذاکرات دوجانبه می‌توانند زمینه همکاری‌های طولانی‌مدت را ایجاد کنند.

### بحث و نتیجه‌گیری

در این مقاله تلاش شد تا علت اصلی افزایش سطح تنش و رقابت در روابط عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار گیرد. ایران و عربستان به‌عنوان دو واحد سیاسی-فضایی تعیین‌کننده در منطقه‌ی خاورمیانه و نیز خلیج فارس، دارای اشتراکات جغرافیایی در دو بعد انسانی و طبیعی بسیاری هستند. با این حال، کدهای ژئوپلیتیکی که این دو کشور برای رقابت در محیط خارجی ترسیم کرده‌اند، تضاد منافع و اهداف را به وجود آورده و باعث رویارویی و واگرایی دو کشور در اغلب اوقات شده است. واگرایی و تنش در روابط دو کشور، به‌ویژه پس از تحولات جهان عرب و بی‌ثباتی در سوریه و یمن، شکل جدی‌تری به خود گرفت تا جایی که به قطع روابط دیپلماتیک آن‌ها منجر شد. تاریخ رابطه ایران و عربستان سعودی بیش از آنکه شاهد دوستی آن‌ها باشد، نظاره‌گر رقابت‌ها و دشمنی میان آن‌ها بوده است. این رقابت و دشمنی، دلایل عمده‌ای دارد و در هر دوره‌ای، برخی از دلایل از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌شوند.

تاکنون نظریات مختلفی به تبیین علت این تنش میان این دو بازیگر پرداخته‌اند از جمله عوامل ژئوپلیتیکی، مذهبی، ایدئولوژی و ... که همگی آن‌ها صحیح هستند اما آنچه پژوهش حاضر به دنبال تأکید بر نقش آمریکا به عنوان عامل اصلی تشدید این منازعات و رقابت‌ها بود. برای تبیین این فرضیه نگارنده از چارچوب مجموعه امنیت منطقه‌ای استفاده کرد که بر اساس آن قدرت‌های بزرگ از طریق نفوذ در این مجموعه‌ها و تأثیرگذاری بر بازیگران عمده خاورمیانه و خلیج فارس سعی در پیشبرد اهداف ایالات متحده نیز با تأثیرگذاری بر بازیگران عمده خاورمیانه و خلیج فارس سعی در پیشبرد اهداف منطقه‌ای خود داشت. تا قبل از انقلاب ۱۹۷۹ ایران و عربستان دو ستون دکترین نیکسون برای مقابله با نفوذ شوروی و تأمین انرژی آن‌ها بودند اما پس از انقلاب اسلامی و خروج ایران از بلوک غرب، ایالات متحده برای حفظ نفوذ و سلطه خود در منطقه حمایت همه‌جانبه اقتصادی، سیاسی و نظامی از عربستان انجام داد تا در مقابل سیاست‌های منطقه‌ای ایران قرار گیرد. در واقع در این دوره آمریکا، ایران را به عنوان یک تهدید برای همه کشورهای منطقه معرفی نمود که همراهی آن‌ها را به دنبال داشت و عربستان برای کسب رضایت و البته مقابله با برتری منطقه‌ای ایران به آمریکا متوسل شد. از سویی هرگاه ایران و عربستان به توافق و همکاری دوجانبه نزدیک شده‌اند، آمریکا با ایجاد تنش‌های منطقه‌ای و به بهانه‌هایی همچون مقابله با تروریسم، جلوگیری از گسترش برنامه هسته‌ای ایران و غیره مانع از تداوم این همکاری‌ها و تنش‌زدایی‌ها می‌شود همان‌طور که مقامات غربی به این واقعیت اشاره کردند.

## منابع

- الهی، همایون. (۱۳۷۸). *خلیج فارس و مسائل آن*، چاپ پنجم، تهران: نشر قومس.
- اختیاری امیری، رضا. (۱۳۹۴). «تأثیر تقابل وهابیت سعودی با گفتمان انقلاب اسلامی ایران بر ژئوپلیتیک جدید خاورمیانه»، *فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام*، ۱(۶)، ۱۴۹-۱۲۵.
- پارسایی، جعفر. (۱۴۰۰). «واکاوی عوامل واگرایی و تقابل در روابط ایران و عربستان»، *فصلنامه سیاست خارجی*، ۱(۳۵)، ۱۱۴-۸۳.
- پازن، مژگان. (۱۳۹۴). «بحران در سوریه؛ اخوان المسلمین در برابر جبهه مقاومت»، *مجله فرهنگ اسلامی*، ۲۰ و ۲۱، ۱۹۹-۱۵۹.
- حیدری، مهدیه. (۱۴۰۰). «واکاوی الزامات رقابت سیاسی ایران و عربستان در کسب جایگاه قدرت منطقه‌ای»، *فصلنامه علوم سیاسی*، ۱۷(۵۴)، ۲۳-۱.



- خبرگزاری دانشجو. (۱۴۰۱/۱۰/۲۸). «تولید روزانه ۲٫۶ میلیون بشکه‌ای نفت ایران در سال ۲۰۲۲/افزایش ۱۶۲ هزار بشکه‌ای نسبت به سال قبل»، آخرین بازدید در: ۱۴۰۲/۰۹/۰۱، قابل دسترسی در: <https://snn.ir/fa/news/1055739>
- داداندیش، پروین؛ کوزه‌گر کالجی، ولی. (۱۳۸۹). «بررسی انتقادی نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای با استفاده از محیط امنیتی منطقه قفقاز جنوبی»، *فصلنامه راهبرد*، ۱۹(۵۶)، ۱۰۷-۷۳.
- دهشیری، محمدرضا؛ امامی، زهرا؛ الهی نیا، میلاد. (۱۴۰۰). «تأثیر ایده خوداتکایی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل*، ۵(۱).
- رحمدل، رضا؛ سیمبر، رضا؛ جانسیز، احمد. (۱۳۹۶). «جدال‌های امنیتی ایران-عربستان از منظر اقتصاد سیاسی بین‌الملل»، *فصلنامه سیاست جهانی*، ۶(۴)، ۱۰۹-۱۳۵.
- سازمند، بهاره. (۱۳۹۲). «مکتب کپنهاگ و امنیت زیست‌محیطی خلیج فارس: واکاوی فعالیت‌های سازمان رامپی»، *نهمین همایش ملی خلیج فارس، مرکز گردشگری علمی فرهنگی دانشجویان ایران*.
- کرمی، جهانگیر؛ عزیزی، حمیدرضا. (۱۳۹۲). «روابط امنیتی چین با آسیای مرکزی: از پیوندهای امنیتی تا مجموعه امنیتی منطقه‌ای» *مطالعات اوراسیای مرکزی*، ۶(۱۲)، ۱۳۵-۱۵۴.
- متقی، افشین. (۱۳۹۴). «واکاوی زمینه‌های ناسازواری در روابط ایران و عربستان بر پایه نظریه سازه-انگاری»، *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست*، ۳(۱۲)، ۱۶۱-۱۴۱.
- مرادی کلارده، سجاد؛ روحی دهبه، مجید؛ سیمبر، رضا. (۱۳۹۶). «انگاره‌های هویتی و تبیین سیاست خارجی عربستان در قبال عراق»، *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست*، ۶(۲۱)، ۲۲۳-۱۹۷.
- مصلی‌نژاد، عباس. (۱۳۹۳). «ژئوپلیتیک هویت و سیاست‌گذاری امنیتی در موازنه منطقه‌ای خاورمیانه»، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، ۱۰(۲)، ۹۸-۷۰.
- موسوی دهموردی، سیدمحمد؛ حمایتیان، احسان. (۱۳۹۵). «تاریخ روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی»، *فصلنامه ۱۵ خرداد*، ۱۳(۴۸)، ۱۹۲-۱۶۳.

## References

- Byman, Daniel; Bjerg Moller, Sara. (2016). *The United States and the Middle East: Interests, Risks, and Costs*, Permission of Oxford University Press.
- Buzan, Barry and Waver, Dewilde. (1998). *Regions and Powers The Structure of International Security*, New York: Cambridge University Press.
- Chitsazian, Mohammad Reza. (2020). " Great Powers and Iran-Saudi Relations", *Iranian Review of Foreign Affairs*, Vol. 11, No. 1, pp. 221-245.
- Jarzabek, Jarosław. (2018). " The Theory of Regional Security Complexes in the Middle Eastern Dimension", *Wschodnioznawstwo Journal*, 1(12), pp. 155-170

- Hadzikadunic, Emir. (2019). Iran–Saudi Ties: Can History Project Their Trajectory?, Middle East Institute Singapore, National Security of Singapore.
- Kamel, Lorenzo. (2017). The Frailty of Authority Borders, Non-State Actors and Power Vacuums in a Changing Middle East, Edizioni Nuova Cultura, Istituto Affaria Internazionali(LAL).
- Kenner, David; Al-Ahmad, Kameal. (2021). "The US-Saudi Economic Relationship: More than Arms and Oil", King Faisal Center for Research and Islamic Studies, Special Report.
- Lubna Abid Ali, Fozia. (2018). " Iran-Saudi Relations: From Rivalry to Nowher", Global Social Sciences Revie, Vol. III, No. IV, Page: 49 – 67
- Pawlak, Patryk. (2016). Iran-Saudi Arabia relations Figuring out the next move, European Parliamentary Research Service.
- Mohammed, Ahmed Anwer; Moorthy, Ravichandran. (2019). "Saudi-Iran rivalry in the Middle East: implication to national security", e-BANGI: Jurnal Sains Sosial dan Kemanusiaan, 16 (1). pp. 1-13.
- Mueller, Karl P.; Wasser, Becca; Martini, Jeffrey; Watts, Stephen. (2017). " U.S. Strategic Interests in the Middle East and Implications for the Army", RAND Corporation, available in: <https://www.rand.org/pubs/perspectives/PE265.html>
- Nadeem Mirza, Muhammad; Abbas, Hussain; Hasnain Qaisrani, Irfan. (2021). "Structural Sources of Saudi–Iran Rivalry and Competition for the Sphere of Influence", Sage Journals, 11(3), pp. 1-9.
- Putri Pratama, Caroline. (2013). "Central Asia as a Regional Security Complex from the Perspectives of Realism, Liberalism and Constructivism",GLOBAL Journal, Vol.15, No.1, pp 84-94.
- Sanahuja, José Antonio; Escáñez, Francisco. (2021). The copenhagen school in south america: the (de)securitization of UNASUR (2008-2017), Revista Brasileira de Política Internacional, 64(2), pp. 1-20.
- Soltaninejad, Mohammad. (2021). " Genuine Fear or Securitization: Iran and Saudi Arabia's Threat Perception", Review of Foreign Affairs, Vol. 12, No. 2, pp. 376-403
- U.S. Department of State. (2023.11.01). " U.S.-Saudi Arabia Relations", last seen at: 2023.12.10, available in: <https://www.state.gov/u-s-relations-with-saudi-arabia/>
- Gardian. (2018.09.03). "Iran deal: how Trump`s actions could flave Violence in Middle East", last seen at: 2023.10.10, available in: [www.theguardian.com](http://www.theguardian.com)